

« حقوق » اطفال بزهكار

اصل هشتم « اعلاميه حقوق كودك » كه در سال ۱۹۵۹ ميلادى به اتفاق آراء به تصويب مجمع عمومى سازمان ملل متحد رسیده است ميگويد :

« كودك در هر مورد بايد جزء نخستين افرادى باشد كه آنها را حمايت و تقويت ميكنند »

از شماره گذشته صفحاتي را براي بحث و پيروي و ارالطه طريق در باره حقوق اطفال بزهكار اختصاص داديم و گفتيم كه پديده خطا و بزهكاري كودكان و نوجوانان، مسئله ساده‌اي نيست و بايد توجهي خاص نسبت بآن مبذول گردد و مابين دوستان واقعي و اصيلى كه نگران فردي مردم اين مرز و بوم اند بايد در اين باره جدي‌تر و ريشه‌دارتر اقدام كنند و بشكلي اصولي و عميق بآن رويرو شوند. چرا كه كودكان و نوجوانان امروز، جوانان فردي اجتماع ماستند و امر حقيقتاً به فردي خود اميد و اطمينان داريم بايد در تربيت و اصلاح آنها بكوشيم و آنان را از انحراف و لغزش مصون داريم و چنان پرورش دهيم كه مرداني انسان دوست، شريف و آزاده بار آيند تا روزگار آتیه‌مان همراين باشد كه هست ! و معلم كه چرا « دادگاه اطفال بزهكار » كه قانون آن چند سال قبل به تصويب رسیده تا كنون تشكيل نيافته است. اينك در دنيا مقاله گذشته و در راه تحقق يكي از هدفهاي « حقوق امروز » كه پيشگيري جرم از راه تجزيه و تعدیل علل و عوامل است ، در اين شماره مقام و موقعيت و تعريف « جرم شناسي » و كلياتي در باره علل ، عوامل جرم و تاثير جرم شناسي در حقوق اطفال، كه فاضل محترم آقاي دكتور حسن شفوري تهیه نموده اند درج ميگردد. « حقوق امروز »

از : دكتور حسن شفوري

« اثرات جرم شناسي در حقوق اطفال »

همچنان كه كلييه علوم و صنايع در قرن هيجدهم با يك سلسله تحولات عميق و دامنه‌دار مواجه گرديد ، در حقوق جزا نيز با پيدايش مكاتب جديد در حقيقت باب تازه‌اي گشوده شد. ابتدا حقوق جزاي انقلاب با صدور « اعلاميه (۱) حقوق بشر » در سال ۱۷۸۹ و مطرح ساختن « تساوي جرم و مجازات » شيوه استبدادي گذشته را در هم ريخت و سپس بر پايه اين عقايد و تحت تاثير نظريات و افكار نوين فلاسفه و علماي حقوق ، مكاتب جديدي بوجود آمد . كه از آن جمله بايد بمكتب كلاسيك (۲) و دكترين مكتب تحقيقي (۳) اشاره نمود . با آنكه مكتب كلاسيك بخصوص از نظر توجه باصلاح وضع مجرمين ، فردي كردن مجازات و مسئله خفيف كردن مجازاتهاي سخت و شديد و ... در قانون گزاريهاي مختلف بي تاثير نبود ولي بزودي با پيدايش مكتب تحقيقي و نظرياتي كه بوسيله مؤسسين اين مكتب پراز گرديد ، مكتب كلاسيك بتدریج اصالت گذشته خود را از دست داد .

1- La Déclaration des droits de l' homme de 1789

(اين فرمان نبايد با اعلاميه منتشره بعد از جنگ جهاني دوم از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ اعتباه شود)

2- L' école Classique 3- La doctrine de l'école positiviste.

مکتب تحقیقی که پیشروان آنرا باید آنریکوفری، (۱) رافائل گارفالو، و دکتر سزار لمبروزو دانست، بر این نظریه استوار بود که: شناسائی شخصیت مجرم کمتر از ارزیابی خود جرم نیست و بهمان نحو که قانون گزار بجرم ارتكابی توجه نموده و برای آن مجازات در نظر گرفته است، قاضی نیز، در هنگام اتخاذ تصمیم میباید بشخصیت مجرم و عللی که وی را بارتکاب جرم برانگیخته است توجه نماید.

عقاید مکتب تحقیقی بخصوص نظریات آنریکوفری نتیجتاً موجب پیدایش دانش جدیدی بنام Criminologie «جرم شناسی» شد و انتشار کتاب «رافائل گارفالو» یکی از سه نفر پایه گذاران این مکتب در سال ۱۸۸۵ تحت همین عنوان یعنی «Criminologie» موجودیت این دانش را محقق ساخت.

البته در اینکه آیا جرم شناسی جزئی از حقوق جزا محسوب میشود یا خود، موضوع دانش جداگانه‌ای است، بتفصیل بحث شده است، ولی درحقیقت باید گفت نه تنها جرم شناسی جزء حقوق جزا بشمار نمیرود و خود موضوع دانش جداگانه‌ای محسوب میشود بلکه امروز در بین سایر علوم جنایی جدید مقام مهمی را احراز نموده و بطور قطع بخصوص در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم حقوق جزا را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است، زیرا علاوه بر وضع قوانین حمایتی متعددی در این زمینه، مانند قانون مربوط بمجازات خرید و فروش مواد مخدره، جلوگیری از فحشاء و بستن مراکز فساد و... و... بر اثر توسعه این دانش بتدریج تدابیر تأمینی (۴) بمجازات مجازات از نظر اصلاح و تهذیب مجرمین و حفظ اجتماع در مقابل خطرات فعلی و احتمالی اهمیت قابل توجهی را کسب نموده و نه تنها از طرف اکثر قانونگذارهای ملل غربی و اروپائی بمسئله تدابیر تأمینی تمایل نشان داده شده، بلکه انعکاس آن در قوانین کشورهای اروپای شرقی نیز کاملاً مشهود است. (۵)

و بالاخره هنگامیکه بخواهیم از تأثیر جرم شناسی در حقوق جزا گفتگو کنیم، ناگزیر میباید به قوانین حمایتی اطفال، جدائی محاکم اطفال از دادگاههای عادی و سایر تحولاتی که در حقوق صغار بوقوع پیوسته اشاره نمائیم که نتیجتاً منجر بجدائی حقوق اطفال از بزرگسالان گردید.

جرم شناسی دانشی است، که برخلاف حقوق جزا که جرم را تنها از جنبه قضائی مورد توجه قرار میدهد، پدیده جنائی را از جنبه علمی و فنی بررسی میکند و بجستجوی موجبات ارتکاب جرم و علل آن پرداخته و سپس درصدد جستجوی راه اصلاح و مداخله و تهذیب مجرمین برمیآید. بنابراین در جرم شناسی دو قسمت کاملاً متمایز را میتوان مشخص نمود:

- 1- Enrico Ferri
- 2- Raffaele Garofalo.
- 3- Dr. Cesare Lombroso.
- 4- Les mesures de sûreté

۵- که البته از مکتب تحقیقی مفهوم خاصی را استنتاج نموده و میتوان آنرا به

«conception positiviste materialiste» تعبیر نمود و تدابیر تدافعی بیشتر از جنبه حمایت و حفظ جامعه سوسیالیستی مورد توجه قرار گرفته.

۱- انگیزه شناسی جنائی .

۳- فن تهذیب و مداوای مجرمین .

۱- انگیزه شناسی جنائی : چنان که اشاره شد، از طرفی از عواملی بحث میکند

که سبب ارتکاب جرم شده و عامل را بارتکاب عمل ضد اجتماعی برانگیخته است، و از طرف دیگر شخصیت مجرم، خصوصیات روحی و اخلاقی و محیطی را که در پرورش و رشد جسمانی و معنوی وی مؤثر بوده است مورد مطالعه قرار میدهد. از این نظر جرم شناسان و علمای علوم جنائی جدید در مورد علل جرائم، تقسیماتی قائل شده و آنرا بطول فردی و اجتماعی یا علل داخلی (۱) و خارجی (از نظر شخصی) تقسیم کرده اند.

الف- علل فردی (داخلی) : غرض از علل فردی عللی است که در طفل موجب يك سلسله نقائص اعم از جسمانی یا روانی شده و باالنتیجه يك شخصیت تلقین پذیر و ضعیف و يك روحیه منشوش و ناراحت و بالاخره غیر عادی و علیل را در وی بوجود آورده است که در مقابل الفاء معاشرین نااهل و منحرف و یا فشار و فساد محیط، فاقد هرگونه قدرت استقامت و پایداری بوده و بدامان فساد و بسوی ارتکاب جرائم کشانیده میشود.

ب - علل اجتماعی (خارجی) : علل اجتماعی، که در واقع نمیتوان مطلقاً آنرا از علل فردی تجزیه نمود عبارت از تأثیر محیطهای مختلفی است مانند: خانواده، مدرسه، محل کار و... که طفل از اولین روز تولد بتناوب در آنها بسر برده و هر يك از آنها بنحوی در وی مؤثر واقع شده و چنانچه طفل قبلاً بر اثر علل ارثی، نقائص جسمی یا روانی و یا وجود عقده‌ها و اختلالات مغزی و عاطفی زمینه مستعد و تلقین پذیری داشته باشد با قرار گرفتن در محیطهای نامناسب بزودی تحت تأثیر واقع شده و خواه ناخواه بطرف سقوط سوق داده خواهد شد.

البته بحث در این موضوع و اینکه علل فردی و اجتماعی چگونه هر ارتکاب جرائم میتوانند مؤثر واقع شوند خود مطلب جداگانه و مفصلی است که امید است ضمن مقالات آینده آنرا باخوانندگان گرامی «حقوق امروز» مورد بررسی قرار دهیم و در اینجا برای توجه با اهمیت نقشی که این علل در ارتکاب جرائم اطفال دارند همینقدر اشاره میکنیم که صدی هشتاد از صفار مجرم، اطفالی هستند که تحت تأثیر علل فردی یا اجتماعی و عوارض حاصله از آن مبادرت بارتکاب جرم نموده‌اند و تنها ۲۰ درصد از جرائم صفار اتفاقی و بر اثر پیش آمد و یا حوادث مختلف بوده است (۲).

جرم شناسی بهمان اندازه که بجستجوی علل جرائم آمايل نشان میدهد بمسئله تهذیب و مداوای مجرمین توجه داشته و کوشش میکند که با اصلاح افراد ناسازگار و مجرمین غیر عادی و وسائل استقرار و بازگشت مجدد آنها را بزندگی اجتماعی فراهم سازد و از این نظر بیشتر در مورد صفار که قابلیت تربیت و تهذیب آنها بر مراتب سهلتر و نتیجه بخش تر است توصیه مینماید.

1- Les facteurs endogènes et les Facteurs exogones

۲- بطوریکه پروفیسور هور Pr. Heuyer در باره جرائم اطفال در فرانسه اشاره میکند بین اطفال ناسازگار تا چهل درصد تنها وراثت الکلی و سیفیلیسی مشاهده شده است.

موضوع اصلاح و تهذيب مجرمين از سال ١٩٤٥ بيمد با گسترش و توسعه دكترين ديگرى بنام «مكتب دفاع اجتماعى جديد» (١) تحولات تازه‌اى را طى نمود .

مكتب دفاع اجتماعى جديد : اين مكتب كه پايه‌هاى عقايد آن بر احترام بموجود انساني ، به آزادى فردى در جامعه و تهذيب اخلاقى مجرمين مبتنى است توصيه مينمايد كه در هنگام اتخاذ تدابير تربيتى و حمايتى بايد شخصيت مجرمين و خصوصيات اخلاقى و روحى هر يك از آنها بطور جداگانه در نظر گرفته شود و تدابير پيشگيرى و اقدامات تأميناى و احتياطى بموازات مجازات با توجه بسرشت ذاتى هر فرد پيش بينى و بمسئله انفرادى كردن مجازات چه در صورت اتخاذ تدابير تأميناى و چه در مورد مجازات، تا سرحد امکان توجه شود .

دكترين دفاع اجتماعى كه بر پايه يك نوع تمايلات و ايده‌هاى انسان دوستى استوار است تنها از احساسات سرچشمه نگرفته ، بلكه بيشتر متوجه شناسائى علمى موضوع جرم ، شخصيت مجرم و توجه بارزش حقيقى موجود انساني است و از نظر اهميت فوق‌العاده‌اى كه براى فرد انساني و در عين حال اجتماع قائل است ميتوان آنرا همانطور كه «مارك آنسل» (٢) اشاره ميكند به «فرد پرستى اجتماعى» تمبير كرد .

نظريات مكتب دفاع اجتماعى جديد در رژيم قانونگزارى اغلب كشورها اثرات عميقى بر جاى گذاشت كه از آنجمله بايد بکشورهاي اروپائى بخصوص ممالك اسكاندينواى اشاره كرد و بسيارى از قوانين ، بويژه رژيم جزائى صغار تحت تأثير افكار و عقايد اين مكتب اصلاح و مورد تجديد نظر قرار گرفت ، روش تاديبى اطفال كه تابع يك سلسله مقررات سخت و خشن بود بتدريج بيك روش تهذيبى و مداوائى متمايل گرديد و تدابير حمايتى و تربيتى جايزين مجازاتها و قوانين خشك و شديد گذشته شد .

بهر حال ميتوان نتيجه گرفت كه توسعه جرم شناسى نه تنها موجب پيدايش محاكم اختصاصى صغار ، توسعه دامنه اختيارات قضات ، توجه بشخصيت مجرم و شناسائى حقيقى وى و برقرارى تدابير تهذيبى و تربيتى كه بيشتر جنبه حمايتى و دفاعى داشت ، گرديد . بلكه همگام با ساير تحولات ، موجد يك نهضت حمايتى اطفال در سراسر جهان گرديد . وبكلمه و راهنمائى علوم ديگرى مانند علوم پزشكى ، روان پزشى ، روانشناسى ، جامعه شناسى و در موضوع شناسائى علمى علل جرائم اطفال و پيشگيرى از آن ، قدمهاى مفيد و مؤثرى را برداشته است .